

# □ حرفهائی دربارهٔ نمایشگاه نقاشی هنرجویان هنرستان کمال الملک

□ سهراب هادی



از خیابان سعدی بطرف میدان هفتم تیر که حرکت کنیم در ابتدای خیابان شهید دکتر مفتح رو بروی دانشگاه تربیت معلم گالری خانه آفتاب واقع است.

این مرکز فرهنگی تا قبل از انقلاب اسلامی زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر سابق اداره میشد. بازگشایی مجدد خانه آفتاب بعد از وقفه ای کوتاه و پوشش گرفتن از وزارت ارشاد اسلامی زمینه ای شد تا خانه آفتاب در ابتدای حرکتی تازه جهت احیای هنرهای اسلامی قرار گیرد.

در این گشایش خانه آفتاب با برخورداری از فضائی مناسب و موقعیتی خوب مرکزی شد قابل ارائه برای آثار نقاشی و تجربه های هنرجویان هنرستانهای هنرهای تجسمی تهران.

هنرستانهای هنرهای تجسمی تهران با دو ساختمان مجزا برای خواهران

و برادران همه ساله هنرجومی پذیرند.

هنرجویان بعد از طی دوره عمومی دوساله و گذارندن دو سال تخصصی در یکی از رشته های مینیاتور، نقاشی، پیکرتراشی، نقش پارچه و سفالگری با مدرک دیپلم هنری به تأیید وزارت ارشاد اسلامی فارغ التحصیل میشوند.

علاوه بر این دو هنرستان که بشکل رسمی و با نظارت اساتید هنرهای تجسمی اراده میشوند یک مرکز آزاد آموزش هنزی هم در کنار این دو هنرستان فعالیت دارد که بدور از قواعد رسمی، هر مشتاق به آموزش هنرهای تجسمی می تواند با شرکت در این هنرستان به آموخته های خود شکل اصولی و آکادمیک دهد.

هنرستان آزاد هنرهای تجسمی را بنام استاد کمال الملک نقاش کلاسیک کنار معاصر ایران نام نهاده اند. سال ۶۰ در بازگشائی مجدد خانه آفتاب نمایشگاهی را به تماشا رفتیم که تجربه های اردشیر تا کستانی در قالب مینیاتور بود.

در دومین نمایشگاه خانه آفتاب میزبان نقاشی های شهید اسدالهی هنرجوی سال آخر هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران بود.

شهید اسدالهی سلحشورانه در حیات کوتاه و پر بار خود قلم زد تا جائیکه قلم را یارای بیان اندیشه اش نبود، او در مسیر کشف زیبایی ها قدم برداشت و شکفتن آغاز کرد و حس غریب خویش را با گل آشتی داد.

اسدالهی بر روشنائی اندیشید و قلم را به سلاح تبدیل کرد و گرم روئیدن بود که در عملیات فتح المبین در نبرد رویارو با مزدوران بعثی بر خاک غلطید و خون جاری در قلمش رنگ ابدی یافت. آثارش که بازتاب روح ایثارگرانه او بود در قاب های بسته خانه آفتاب فریادها داشتند (روحش شاد و یادش زنده باد).

خانه آفتاب با سومین تجربه اش در ابتدای سال ۶۲ معرف آثار گرافیک هنرجویان رشته هنرهای تجسمی دبیرستان آزادگان تهران شد. چهارمین نمایشگاه خانه آفتاب نمایشگاه گروهی دختران هنرستان هنرهای

زیبای کمال الملک بود در این نمایشگاه نزدیک به ۴۰ تابلوی رنگ و روغن و بیش از ۷۰ اثر طراحی از هنرجویان جمع آوری و در معرض نمایش قرار گرفت. این آموخته‌ها حاصل تجربیات دو ساله ۶۰ و ۶۱ هنرجویان است و فرصتی تا هریک چند اثر تجربی خویش را در کنار دیگر آثار عرضه شده در نمایشگاه یک جا ببینند و قوت‌ها و ضعف‌های کار خویش را دریابند. مجموعه نمایشگاه توجهی است دسته جمعی بر طبیعت و برداشت‌هایی تجربی به گونه از آن.

چهره نمایشگاه نحوه آموزش و چگونگی تجربیات هنرجویان را عرضه میدارد که از نظامی معین برخوردار نیست، هنرجو در حد تشخیص و توانائی خود با تأثیر پذیری عمیق از طبیعت و شگفتی‌هایش به نقش‌هایی دست یافته و قصد بیان همان شگفتی‌ها را دارد.

برداشت عینی از زیبایی‌های طبیعت و انعکاس زوایای روشن و تاریک نور در یک اثر هنری هرچقدر هم که ماهرانه و استادانه به نقش درآید خلاء عدم برداشت و تأثیر پذیری هنرمند از اجتماعش را مخفی نخواهد کرد، چرا که بیننده اگر در مقابل تابلویی به تماشا بایستد در جستجوی یافتن پیامی است که هنرمند با آفریدن اثر خویش سعی در بیان آن دارد.

حال اگر هنرمند تمام تلاش خود را وقف بیان زیبایی‌های طبیعت نماید این اثر هنری در قالب یک تابلوی نقاشی چگونه استنباطی را در بیننده بوجود خواهد آورد؟ آیا بیننده بشکل معترض بر هنرمند و اثرش نظاره نخواهد کرد؟

نقاش نباید بکوشد تا طبیعت را همانطور که هست بسازد و آنرا تقلید کند و یا از آن رونوشت بردارد.

بلکه لازم است تا نقاش در نقش‌بندی‌هایش شعور هنری بیشتری را بکار گیرد و از طبیعت بعنوان وسیله بهره‌برداری کند و خود را پای بند قیود طبیعی نسازد تا قادر به روشن ساختن اندیشه‌های خود گردد. تحولات عظیم امروز جامعه ما افراد را هرچند که عامی هم باشند فارغ از اندیشه بحال خود وانمی‌گذارد، در این حال نقاش هم که سریع‌التأثیر است نباید لحظه‌ای را

بی تأثیر پذیری رها سازد و لازم است تا بازگوکننده نوسانات اندیشه های زائیده از رخ داده ها باشد تا به دنبال این چگونگی ها نهضت های هنری پدیدار گردد.

پرداختن به طبیعت و برداشت از آن و آموزش از محیط به تنهایی جزئی از تجربه های هنری محسوب خواهد شد.

تفکر هنرمند نسبت به جریانات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... همراه با موضع گیری هایش در قبال رخ داده ها چنانچه خمیرمایه اش هنری باشد بیننده را در مقابل حرفی روشن قرار خواهد داد.

در این رویارویی معیارهای قضاوت بیننده براساس دریافت هایی است که از همان اثر هنری شکل می گیرند و فرم صحیح ارتباط هنرمند با جامعه بوجود خواهد آمد.

در غیراینصورت مخاطب با پدیده های مبهم مواجه بوده و از این نقطه پیوند عاطفی جامعه و هنرمند رو به سستی می گراید.

رنگ های شفاف، محیط های آرام و ترکیب بندهای مختصر، حضور گل و گیاه و حجم های کهنه محیط های روستائی و ابعاد بی حد و مرز طبیعت از ویژگی های کارهای هنرجویان شرکت کننده در نمایشگاه است. تابلوی «طبیعت سنگی» اثر خانم گلنار معظمی را میتوان در ردیف بهترین آثار عرضه شده دانست.

حجم یابی کامل و همگن بودن ارزشهای رنگی و رعایت بافت های منظم و ترکیب های بجا در اجزاء تابلو نمایانگر شناخت نقاش در خلق این اثر هنری است.

«دختران بافنده عشایری» تابلوی دیگری از این هنرمند است که فضاییابی و حجم پردازی و کاربرد اصولی رنگ ها این تابلو را از دیگر کارهای نمایشگاه متمایز میدارد.

بغیر از این دو اثر بقیه تابلوها از نظر ساخت و طرح و اجرا و بکارگیری رنگ و حجم و بیان محتوا در سطحی مشترک واقع هستند. کارهای خانم نجات هم در ردیف تجربه های خوب عرضه شده در

نمایشگاه هستند، رعایت اصول صحیح حرکت نور و ترکیب بندی های موزون رنگ از قوت های کاری ایشان است.

بخش اعظم نمایشگاه را طراحی های هنرجویان تشکیل میدهد. شناخت نقاشی از طریق طراحی و حجم را تنها در یک رنگ شناختن و خط را به تجربه نشستن مبنائی است که هنرجو را به هدفی معین نزدیک می سازد. دریافت مفاهیم خط و نور، تشخیص جزء به جزء حرکات بدن انسان و موجودات، اصول نقاشی علمی را پشت سر دارد.

دقت در حرکات، شناخت حجم ها همراه با بکارگیری خطوطی معین در مکانهایی مشخص از ویژگی های کار طراحی خانم رقیبی است. این هنرجو در برداشت هایش از محیط زندگی و اطرافش با اطمینان بر انتقال درست از واقعیت موضوعات پیرامونش را به طرح کشیده است.

شاید دلیل موفقیت در کار طراحی را بتوان توجه نافذ طراح نسبت به موضوعات روزمره دانست. تکرار طراحی نیز شهامت و قدرت انتقال صحیح را در نقاش بوجود خواهد آورد.

طرح های سال ۶۱ خانم رقیبی نسبت به آموخته های سالهای پیش از آن، هم از نظر فرم و هم از نظر تشخیص حجم و ترکیب از پختگی بیشتری برخوردار می باشند.

طرح های مدادی و نیم رنگی همراه با حرکت های سریع خط گواه تشخیص دقیق هنرمند در برداشت هایش از موضوعات می باشند. طراحی های خانم پیوستگان و خانم نور شعاع با برخورداری از ترکیب بندی های صحیح و تجزیه خطوط در انتقال مفاهیم موفق هستند.

ادامه و استمرار این گونه نمایشگاهها تلاشی است در جهت عرضه آثار هنرمندان آماتور و مجرائی است تا از طریق آن هنرمندان جوان در فضای مناسب ارزشهای کاری خویش را بیابند و در نقد و نظرها بازتاب و تأثیر کار خود را با ارتباطی سالم در زوایای اجتماع پی گیرند و در رفع نقایص و جبران نارسائی های تجربی خویش بکوشند.

انشاءالله